

میناتور استاد فرشچیان «تک خال» هنر ایرانی



استاد عبدالحمید
قدیریان
هنرمند نقاش

اتکا به آثار استاد فراتر از مباحث تکنیکی باید در رابطه با سیر و سلوک و نوع نگاه ایشان در رابطه با هستی شناسی به بحث نشست و صحبت کرد، چیزی که در دانشکده‌های هنری نداریم و با خیلی کم داریم.

به طبع با اتکا به ساختار وجودی هنرمند و شکل دادن به روح هنرمند است که آثار هنری نیز شکل پیدا می‌کنند و نیاز است این موضوع برای نسل جوان هنری کشور پررنگ شود که اگر می‌خواهیم آثار هنری ماندگاری جدای از فلسفه غرب، بلکه با داشته‌های فرهنگی خودمان کار کنیم، باید مانند استاد «محمود فرشچیان» سیر و سلوک کرده و تلاش و زحمت بکشیم. کاری که استاد در خاطرات و سخنانش به کرات آن را نقل می‌کند، کاملاً مشهود است که ایشان قبل از تولید هر اثر هنری ماندگار که به نوعی تمام آثار استاد را در برمی‌گیرد؛ به گفته شاگردانش توسل کرده و سلوکی را رعایت می‌کردند و بسیار موضوعات و مسائل شرعی را در نظر می‌گرفتند و تلاش می‌کردند تا ظرف وجودی خود را پاک نگه دارند تا بتوانند بهره‌ای از عوالم بالا داشته باشند. آثار استاد سرشار از شوریدگی، عشق، حرکت، رنگ‌هایی بهشت‌گونه و فضایی شاد و پرامید است. چرا که اکثر موضوعات مذهبی که ایشان کار کرده‌اند، برگرفته از قصه‌های قرآنی و حماسی ایران زمین است که خود قصه‌های ایران زمین نیز برگرفته از روح حریتی است که در ایرانی‌ها به صورت یک خمیره و شاکله مستحکم قرار دارد و این صفات خاص ایرانی در آثار ایشان کاملاً نمود دارد. استاد فرشچیان همواره تلاش می‌کرد تا با سیر و سلوک، ممارست و ایستادگی که داشت در طول سالها خود را از گزند حوادث نفسانی دور نگه دارد و بسترهای تجلی نور و صفات زیبای آسمانی را در آثار خود به نمایش بگذارند.

با توجه به آثار و احوالات استاد به نظر می‌رسد که ما بیش از هر چیزی به تفکر و مراقبه برای حرکت و ارتقاء آثار هنری خود نیاز داریم که این مهم مستلزم بحث‌ها و صحبت‌ها و ایجاد فضاهایی است که در دانشگاه‌ها باید مطرح شود و به کمک اساتیدی که اهل تعمق و تفکر بوده و سلوک آسمانی را تجربه کرده‌اند، باید در دانشگاه‌ها در کنار جوانان علاقمند قرار بگیرند تا نسل جوان هنرمند کشور بتوانند در این مسیر حرکت کرده و به تعالی برسند.

استاد فرشچیان کاملاً متوجه شده بود که تولید اثر هنری و تعمق در کارهای هنری، مجرا و فضایی است که هنرمند به کمک آن وارد فضای آسمانی شده و به تبع آن تجربیات، حسی فراتر از تجربیات دنیایی داشته باشد و بهره‌ای از نور خدا و صفات الهی را تجربه کرده و رشد کند. از این روست که ما دیدیم که این توفیق از سوی خداوند نصیب ایشان شد و تابلوهای بسیار ارزنده‌ای در خصوص اهل بیت و قرآن از سوی ایشان طراحی شد که ضریح امام حسین (ع) و ضریح امام رضا (ع) از جمله این آثار است.

امید است حالا که دست استاد از این جهان کوتاه شده، روزی خور جوار مولای خود اباعبدالله الحسین (ع) باشند و ثمره آن ریاضت‌ها، ممارست‌ها، دقت‌ها و ثمره آن صفات پاکی که ایشان تلاش می‌کردند در وجود خود ایجاد کنند، در جهان باقی از آثار آن بهرمنند و متنعم شوند.

به امید رفیع شدن جایگاه ایشان و گشایش در فرهنگ و هنر این مملکت.

استاد «محمود فرشچیان» از هنرمندان به نام و شاخص این مرز و بوم بودند که در طول فعالیت هنری خود آثار بسیار زیادی از خود به جای گذاشتند و به خاطر شور و دغدغه درونی و خلاقیتی که داشتند و آشنایی با هنر روز، چه هنر غرب و چه در سیر مکاتب مختلف موفق به ایجاد نوعی نوآوری در مینیاتور شدند که مثال‌زدنی و تک‌خال آثار هنری ایران است.

استاد «محمود فرشچیان» تحولی در مینیاتور ایجاد کرد که در نوع خود می‌توان به عنوان یک حرکت شجاعانه و ساختارشکنانه به آن نگریست. مهم این است که فضای تکنیکی که این استاد بزرگ و بی‌بدیل در دنیای هنر ایجاد کرد، میان مخاطبان داخلی و خارجی دلربایی کرده و در قلب و جان آنها خوش نشست.

استاد محمود فرشچیان «انسانی با اخلاق و نام‌آور بودند که در جایگاه یک هنرمند زبانزد عموم مخاطبان در داخل و خارج از کشور بودند، هستند و خواهند بود. آشنایی من با آثار استاد «محمود فرشچیان» به قبل از انقلاب باز می‌گردد؛ زمانی که یک کتاب نفیس که در یونسکو از ایشان چاپ شده بود که با دیدنش دل‌باخته قدرت قلم استاد، تنوع رنگ و حال و هوایی که در آثار ایشان موج می‌زد شدم. در آن سالها من جوان بودم و به دنبال یادگیری تکنیک‌های نقاشی و در پی یادگیری تکنیک‌های مختلف به دنبال استاد دلخواهم بودم که با دیدن آن کتاب شیفته آثار استاد شده و دل در گرو ایشان سپردم.

نکته‌ای که درباره استاد به نظر می‌رسد برای نسل جوان ما بسیار مهم باشد و به نظر می‌رسد نیاز است تا آن را بازگو کنم و قاعدتاً نسل هنرمند جوان ما باید به آن فکر کنند و کسانی که اهل تجربه در آثارشان هستند، راجع به این موضوع بیشتر صحبت کنند.

زمانی که آثار استاد فرشچیان را نگاه می‌کنیم، به وضوح شور، حرکت و دغدغه‌مندی را در تمام آثار ایشان به وضوح به چشم می‌بینیم؛ پرواضح است که استاد در درون به دنبال چیزی است و تلاش می‌کند تا به آن نزدیک شود. زمانی که استاد فرشچیان تابلوی «عصر عاشورا» را کشید و همه دلها را متوجه خود کرد، این برای من خیلی پررنگ شد که استاد چه اتفاق و چه سیر و سلوکی را داشتند که خداوند این عنایت را به ایشان دادند که توفیق پیدا کنند و تابلوی ظهر عاشورا را در راستای عزاداری و درک سالار شهیدان «حسین ابن علی» طراحی کنند و این اتفاق بزرگی که استاد فرشچیان رقم زدند، برای همیشه ماندگار خواهد بود. تصور من این است که با